

بررسی تطبیقی «ذریه طیبه» در قرآن کریم و صحیفه سجادیه

سید جعفر حق شناس^۱، زهرا تشکری^۲

تاریخ دریافت: تاریخ پذیرش:

برخورداری از فرزند و نسل از خواسته‌های فطری انسان‌ها است. قرآن کریم با طرح عنوان «ذریه طیبه» این خواسته فطری را جهت داده است. «ذریه طیبه» اولین عنصر سازنده خانواده و جامعه طیبه است و تحقق نسل‌های پاک و طاهری که مایه مباهات پیامبر گرامی ﷺ و اهل بیت طاهرین علیهم‌السلام باشند با شناخت ویژگی‌های «ذریه طیبه» و الگوپذیری از آن امکان‌پذیر خواهد بود. پژوهش حاضر با هدف تبیین ذریه طیبه از منظر قرآن کریم و سخنان امام سجاد علیه‌السلام به شیوه تطبیقی کوشیده است با تحلیل دو مسئله منزلت و اوصاف ذریه طیبه، در شناساندن معارف بلند کتاب و سنت گام بردارد که در این راستا، سه محور اساسی درباره «ذریه طیبه» مطرح شد؛ در محور اول با بررسی واژه‌های «ذریه» و «طیبه» پایه‌های مفهومی ارائه شد و ضمن بیان دایره جنسیتی «ذریه» مشخص شد که ذریه طیبه به معنای نسل پاک، از دستاوردهای مهم زندگی انسان مؤمن و استمرار وجود او است و استمرار نسل پاک توسط همه فرزندان، فارغ از جنسیت آنان صورت می‌گیرد. در محور دوم، با معرفی ذریه طیبه به عنوان بخشی از وجود انسان و بیان آثار اخروی آن، اهمیت و جایگاه «ذریه طیبه» تبیین شد و در نهایت، ویژگی‌هایی مثل احسان، فروتنی، فرمان‌بری، دعا و درخواست مغفرت، خدمتگزاری و یآوری فرزندان نسبت به والدین از ویژگی‌های ذریه طیبه معرفی شد.

واژگان کلیدی: ذریه، ذریه طیبه، شجره طیبه، فرزند صالح، نسل.

۱. استادیار گروه قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. دانش پژوه سطح چهار تفسیر قرآن، جامعه الزهرا، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

«ذریه طیبه» از مسائلی است که در آیات قرآن و لسان معصومین علیهم السلام مورد توجه قرار گرفته است. آثار اندکی را می‌توان یافت که به طور مستقل به اهمیت مسئله ذریه طیبه و رابطه انسان با آن پرداخته باشند. مقالاتی با موضوعات «ذریه مؤمن به مؤمن در بهشت، تبیین ساختار زبانی واژه ذریه در قرآن، گونه‌شناسی تعامل نیکو با والدین در قرآن و پژوهش‌های قرآنی» هر کدام از ابعادی مسئله جایگاه خانواده در اسلام را بررسی کرده‌اند، اما به این دلیل که داشتن نسل پاک و فرزندان صالح از دغدغه‌های مهم هر خانواده مسلمان و از اهداف مهم تشکیل خانواده است، پژوهش حاضر به بررسی «ذریه طیبه در قرآن و صحیفه سجادیه» پرداخته است؛ زیرا آرزوی هر پدر و مادر مسلمانی است که بداند وجود خویش را چگونه باید صرف تربیت فرزندان نماید تا محصول آن نسلی پاک باشد که هم خود و هم جامعه از آثار آن بهره‌مند شوند.

پژوهش حاضر برای پاسخ‌گویی پرسش‌های اساسی زیر انجام شده است:

- «ذریه طیبه» به چه معناست؟

- اهمیت داشتن «ذریه طیبه» چیست؟

- «ذریه طیبه» با چه ویژگی‌هایی شناسایی می‌شود؟

در بررسی ویژگی‌ها و صفات «ذریه طیبه» شاید در نگاهی سطحی دسترسی به این ویژگی‌ها فقط محدود به آیاتی شود که واژه «ذریه طیبه» در آنها ذکر شده است، اما با نگاهی عمیق‌تر مشخص می‌شود که ویژگی‌های نسل پاک در جای جای قرآن حتی در آیاتی که واژه «ذریه طیبه» در آن نیامده، قابل دستیابی است. این آیات را می‌توان در چهار دسته جای داد و در جستجوی ویژگی‌های «ذریه طیبه» از آنها بهره برد:

اول) با استفاده از آیاتی که پیامبران در آن آیات درباره ذریه خود که ذریه طیبه‌اند سخن گفته‌اند؛ برای مثال آیه‌ای که در آن حضرت ابراهیم علیه السلام، ذریه خود را با زبان دعا توصیف می‌کند. همچنین توصیف و انتظارات امام سجاد علیه السلام در قالب دعا و نیایش از فرزندان و نسل خود که «ذریه طیبه» ایشان محسوب می‌شوند، می‌تواند از بهترین منابع دریافت این صفات باشد.

دوم) آیاتی که خداوند در آنها، صفاتی را برای فرزندان پاک نسبت به والدین برشمرده است. مانند آنچه خداوند درباره اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَامُ، فرزند پاک حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ، بیان کرده است.

سوم) آیاتی که در آنها خداوند از پیامبرانی که خود ذریه پاک پیامبری دیگرند، سخن به میان آورده و برخی صفات را برای ایشان برشمرده است؛ مانند صفاتی که خداوند برای حضرت یحیی عَلَيْهِ السَّلَامُ با عنوان ذریه حضرت ذکریا عَلَيْهِ السَّلَامُ بیان فرموده است.

چهارم) آیاتی که خداوند در آنها ویژگی‌های «ذریه طیبه» را در قالب صفاتی برای فرزندان صالح و پاک بیان کرده است. برای مثال آیات «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (بقره: ۸۳) و «وَبِرًّا بِالْوَالِدَيْنِ» (مریم: ۱۴).

۲. مفهوم‌شناسی «ذریه طیبه»

ضرورت شناخت مفهوم و کاربرد واژه‌های قرآنی از آن رو است که بدون دستیابی به آنها، دریافت مقاصد و مدالیل قرآنی و جست و جوی صائب مصادیق آنها ممکن نخواهد بود.

۱-۲. مفهوم‌شناسی «ذریه»

۱-۱-۲. «ذریه» در لغت

واژه «ذریه» با مشتقاتش، حدود ۳۲ بار در قرآن تکرار شده است. واژه‌های دیگری مثل «نسب، اولاد، ابناء و نسل» معانی نزدیک به «ذریه» دارند. (حاجی اسماعیلی، و سلطانی زبانی، ۱۳۹۳) واژه «ذریه» در معنای مفرد، جمع، مذکر و مؤنث استعمال می‌شود، اما استعمال آن در معنای جمع بیشتر است (آلوسی، ۱۴۱۵ ه.ق، ۱۳۹/۲؛ راغب، ۱۴۱۲ ه.ق). از سوی لغت‌شناسان سه ریشه برای «ذریه» معرفی شده است. این سه ریشه عبارت‌اند از: «ذرز: ریزی و انتشار»، «ذره: خلق کردن» و «ذرو: پراکنده و منتشر شدن». در کتاب *العین آمده است*: «ذریه برون فُعْلِيَّةٌ از ذررت می‌باشد؛ زیرا خداوند مخلوقات را در زمین منتشر کرده است و جمع آن ذرازی است» (فراهیدی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۱۷۵/۸). *مقایس اللغه*، همچنین ریشه واژه را «ذرز» و مفرد آن را «ذرة» می‌داند (ابن فارس، ۱۴۰۴ ه.ق، ۳۴۳/۲).

راغب در مفردات، اصل ذریه را به معنای «اولاد صغار» می‌داند، هر چند در عرف برای

اولاد صغار و کبار به کار رفته است. سپس راغب در اصل اشتقاق واژه ذریه به سه دیدگاه اشاره کرده است و ساختار ذریه را تبیین می نماید که عبارتند از:

اول) «ذریه» از اصل «ذُرُّ اللهُ الخلق» و «هو الذی ذرأکم فی الارض» می باشد. همزه آن مانند «رویه» و «بریه»، هنگام اتصال به یاء نسبت حذف شده است.

دوم) «ذریه» از اصل «ذرو» بر وزن فُعْلِیه بوده است و سپس در نقطه اجتماع واو و یاء، ادغام صورت گرفته و واو به یاء تبدیل شده است.

سوم) «ذریه» از اصل «ذُرر» بر وزن فُعْلِیه بوده است. (راغب، ۱۴۱۲ هـ.ق)

لسان العرب می نویسد: «ذریه از ماده «ذَرَّ» به معنای «خَلَق» است که در قرائت «ذُرِّیه» خوانده شده است و «ذریه» به معنای نسل انسانی اعم از زن و مرد است. ریشه دیگر واژه «ذُرر» به معنای گرفتن چیزی با انگشتان و پخش کردن آن است. بر این اساس، هنگامی که «ذُرر» به خدا نسبت داده می شود به این معنا است که خداوند مخلوقات را در زمین انتشار داد. ذریه از این ریشه، اسمی است منسوب به «الذَّر» به معنای مورچه کوچک. بنابراین، بر اساس قاعده، لازم است که حرف اولش مفتوح باشد، اما برخلاف قاعده به صورت مضموم به کار رفته است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۳۰۳/۴)

در التحقیق آمده است که واژه «ذریه» به نوعی انتشار و پراکندگی در حال خردی و کوچکی دلالت دارد: «هو النشر... ای نثره بالتصغیر و التدقیق». (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۳۳۰/۳)

بنابراین، «ذریه» به معنای فرزندان خردسال است، ولی این واژه در قرآن فرزندان انسان را از کوچک و بزرگ در برمی گیرد. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۳۳۱/۳)

با تأمل در کلام اهل لغت روشن می شود که واژه «ذریه» می تواند از سه اصل «ذرو»، «ذُرر» و «ذَرر» باشد و هر یک از این سه اصل به نحو احتمال در اشتقاق آن مطرح است. بر این اساس، ذریه به معنای نسل انسان است که پراکنده می شود و انتشار می یابد و یا به معنی نسلی است که توسط خداوند آفریده شده است.

۲-۱-۲. کاربرد قرآنی «ذریه»

در کاربرد قرآنی، ذریه از هر ریشه که باشد به معنای نسل و اولاد و اعقاب انسان است و به همین معنا در کلمات مفسرین اشاره شده است. برای مثال در آیه ۱۲۴ سوره بقره، «و من

ذریته» به فرزندان ابراهیم تفسیر شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷/۱/۲۶۷) و در آیه ۳۶ سوره آل عمران، مراد از «ذریتهها»، مریم و عیسی و نسل‌های بعدی آنان است (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۳/۱۷۳).
واژه‌های قرآنی چون «آل»، «آل داوود»، «آل یاسین»، نسل، نسب (رک: فرقان، ۵۴)، اولاد (رک: نساء: ۱۱)، و ابناء (رک: هود: ۴۵)، اهل، ذی القربی (رک: نحل: ۹۰) در معنایی مشابه با ذریه به کار رفته‌اند.

۲-۲. مفهوم شناسی «طیبه»

۱-۲-۲. «طیبه» در لغت

واژه «طیب» و «طیبه» در میان لغت‌شناسان به معانی گوناگونی (که قرابت و نزدیکی نیز دارند) به کار رفته است که عبارتند از:

اول) حلال (فراهیدی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۴۶۱/۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۴۳۵/۳؛ فیومی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۳۸۲/۲)؛

دوم) پاک و پاکیزه در مقابل خبیث و ناپاک (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۵۶۳/۱؛ طریحی، ۱۳۷۵، ۱۱۲/۲)؛

سوم) آنچه موجب لذت نفس و حواس آدمی است (راغب، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۵۲۷)؛

چهارم) افضل و احسن از هر چیز (زیبیدی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۱۹۰/۲)؛

پنجم) صالحه (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۱۷۵/۳؛ راغب، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۵۲۷).

۲-۲-۲. کاربرد قرآنی «طیبه»

راغب می‌نویسد: «انسان طیب کسی است که عاری از نجاست جهل و فسق و اعمال قبیح بوده و متزین به علم و ایمان و اعمال نیکوست». (راغب، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۵۲۷)
علامه طباطبایی نیز بیان کرده است:

ذریه طیبه در قرآن به معنای فرزند صالحی است که صفات و افعالش متناسب با انتظار و امید پدرش از او باشد. چنانکه مراد حضرت زکریا عَلَيْهِ السَّلَامُ از «ذریه طیبه» فرزندی بود که نزد خدا کرامتی شبیه به کرامت مریم داشته باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۳۷۴/۳)

۳-۲. رابطه «ذریه طیبه» و «شجره طیبه»

قرآن کریم در سوره مبارکه ابراهیم سخن از «شجره طیبه» به میان آورده و فرموده است:
أَلَمْ تَرَ كَيْفَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ.
آیا ندیده‌ای که خدا چگونه مثل زد؟ سخن پاک چون درختی پاک است که ریشه‌اش در زمین استوار و شاخه‌هایش در آسمان است. (ابراهیم: ۲۴)

با آنکه مفسران دیدگاه‌های مختلفی در تفسیر «شجره طیبه» مطرح کرده‌اند، در روایات اهل بیت علیهم‌السلام، «شجره طیبه» به اجداد، فرزندان، نسل پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مؤمنین شیعه تفسیر شده است. امام باقر علیه‌السلام در تفسیر این آیه فرمودند: «مقصود از شجره، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که نسب ایشان به بنی‌هاشم استوار است، تنه آن درخت، علی علیه‌السلام و ریشه آن فاطمه علیها‌السلام و شاخه‌هایش امامان علیهم‌السلام هستند و برگ‌های آن شیعیان‌اند». (حویزی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲/۵۳۵)

با توجه به این روایت و توسعه مصادیق شجره طیبه می‌توان گفت که ذریه‌ها و نسل‌های پاک همگی شاخه‌ها و برگ‌های درختی تنومندند که از آغاز پیدایش بشر پدید آمده و با وجود مقدس پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت ایشان به کمال خواهند رسید. هر نسلی پاک ریشه‌ای دیرینه در نسل‌های گذشته دارد و خود می‌تواند پایه‌گذار نسل‌های پاک آینده باشد. بنابراین، انسان مؤمن خود را در میان دو نسل و دو طیف گذشته و آینده می‌یابد. در حقیقت این آیه و آیات مشابه، اشاره به مسئله دودمان و نسل پاک در قافله حیات بشری دارد. (حسینی کوهساری، ۱۳۸۴)

درخت تنومند توحید و انسان‌های موحد از آدم و هابیل آغاز شده و با پیامبران الهی تا ابراهیم علیه‌السلام ادامه یافته و به پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رسیده است و این درخت با ائمه هدی علیهم‌السلام تا قیامت ادامه خواهد یافت و تمامی انسان‌های مؤمن و بندگان صالح خداوند برگ‌های این درخت عظیم‌اند و تمامی زمین در اختیار این گروه قرار خواهد گرفت:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵).

و آن زمانی خواهد بود که حکومت عدل جهانی امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بر سراسر عالم گسترده شود و «شجره طیبه» پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام در عالی‌ترین مراتب به منصفه ظهور برسد.

۲-۴. ذریه و جنسیت

یکی از مباحثی که در عرف عامه مردم مورد توجه قرار می‌گیرد، استمرار نسل است. در این میان، برخی استمرار نسل را تنها از طریق فرزندان پسر می‌انگارند؛ در حالی که از دیدگاه کتاب و سنت، تمامی فرزندان چه دختر و چه پسر، ادامه‌دهنده نسل و از مصادیق ذریه می‌باشند. برای تبیین این مطلب به آیاتی از قرآن کریم و فرازی از صحیفه سجادیه می‌توان استناد نمود:

۲-۴-۱. اطلاق ذریه در آیات

در بعضی از آیات برواژه «ذریه» تکیه شده است و قرینه‌ای که دلالت بر جنسیت «ذریه» داشته باشد به چشم نمی‌خورد. از این رو، اطلاق این آیات نشان می‌دهد که «ذریه» انسان همه فرزندان اویند، چه دختر و چه پسر. سوره فرقان در اوصاف بندگان خدای رحمان چنین می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا؛
آنان کسانی هستند که می‌گویند پروردگارا همسران و فرزندان ما را روشنی چشم ما
قرار ده» (فرقان: ۷۴).

در این آیه شریفه کلمه «ذریات» (فرزندان) مطلق است و همه فرزندان دختر و پسر را شامل می‌شود.

۲-۴-۲. استمرار ذریه پیامبر اسلام ﷺ از طریق فاطمه علیها السلام

قرآن کریم در سوره کوثر در پاسخ به کسانی که پیامبر اسلام ﷺ را به دلیل نداشتن فرزند پسر، ابتر و مقطوع‌النسل و بدون دنباله می‌خواندند به وجود کوثر اشاره کرده است و می‌فرماید:
«ای پیامبر ما به تو کوثر بخشیدیم و با بخشش کوثر، تو هرگز بدون ذریه و نسل نیستی».

هر چند در تفاسیر، مصادیق متعددی برای کوثر نقل شده است، اما به قرینه سیاق روشن آیات سوره که مسئله مقطوع‌النسل بودن دشمن پیامبر ﷺ را مطرح می‌سازد، بسیاری از بزرگان علمای شیعه یکی از روشن‌ترین مصادیق کوثر را وجود مبارک فاطمه زهرا علیها السلام دانسته‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۷/۳۷۵)

۲-۴-۳. مریم واسطه استمرار ذریه ابراهیم علیهما السلام

قرآن کریم در آیات ۸۴ و ۸۵ از سوره انعام، عیسی علیها السلام را از «ذریه» حضرت ابراهیم علیهما السلام به شمار می‌آورد. در حالی که عیسی علیها السلام فاقد پدر بود و از طریق مادرش مریم علیها السلام به حضرت ابراهیم علیهما السلام انتساب داشت. امام سجاد علیها السلام در دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه برای فرزندان و ذریه‌اش به‌گونه‌ای دعا می‌کند که نشانی از جنسیت در سخنان ایشان به چشم نمی‌خورد و قرینه بسیار روشنی در دعای حضرت دلالت بر این مطلب دارد و آن درخواست

حضرت از خداوند است که می فرماید:

«خداوندا همراه با فرزندانم، فرزندان پسر نیز به من عطا فرما».

این سخن نشان می دهد که مقصود حضرت از اولاد و ذریه در این دعا، همه فرزندان اعم از دختر و پسرند.

۳. اهمیت و جایگاه «ذریه طیبه»

۳-۱. «ذریه طیبه» بخشی از وجود انسان

فرزند طیب در کنار والدین و پس از آنها، هم منعکس کننده صفات وجودی انسان و هم ادامه دهنده امور و مسیر زندگی او است. از آیات و ادعیه قرآنی که در آنها از «ذریه طیبه» سخن به میان آمده به خوبی می توان فهمید که نه تنها فرزندان، بلکه نسل های آینده انسان، ملحق به انسان و جزئی از وجود او هستند. در سوره ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام (آیات ۳۵، ۴۰، ۴۱) سه درخواست از سوی حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام بیان شده است که در همه آنها حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام خود را به صورت مستقل و مفرد ذکر کرده است و با این بیان خواسته است علاوه بر فرزندان که داشت، تمام ذریه آینده را نیز به خود ملحق سازد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۱۲/۱۱۳)

حضرت زکریا نیز پس از درخواست «ذریه طیبه» از خداوند، علت آن را وراثت و جانشینی خود بیان می کند:

«خداوندا، من از وارثان کنونی ام بیمناکم... خدایا از لطف خود فرزندی صالح و جانشینی شایسته به من عطا فرما تا وارث من و همه آل یعقوب باشد و او را مورد رضای خود قرار ده» (مریم: ۶-۵).

از این گونه ادعیه، معلوم است که پیامبران الهی «ذریه» شان را ملحق به خود می دانسته اند و خوبی ها و نعمت هایی را که از خداوند درخواست کرده اند برای خود و «ذریه» خود می خواسته اند. گویی انسان ها همان گونه که به طور فطری در طلب فرزندان، بقای او را بقای خود و استیلائی فرزند را بر آنچه خود بر آن مستولی اند، استیلائی خود و مایه خشنودی می شمارند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۴/۱۶)

تأثیر دودمان و خانواده بر نسل های بعدی با توجه به مسئله وراثت و علم ژنتیک،

غیرقابل انکار است. ویژگی‌های اخلاقی، روحی و جسمی نیاکان، بی‌تردید تا نسل‌های آینده ادامه خواهد داشت. وراثت به معنای همانندی فرع با اصل خویش در ویژگی‌ها، خصوصیات ظاهری و هوشمندی است. (حسینی کوهساری، ۱۳۸۴) امام سجاد علیه السلام در بیان خود، وابستگی فرزند به وجود انسان را چنین وصف می‌کند:

حق پدرت، این است که او اصل و ریشه توست؛ زیرا اگر او نبود، تو هم نبود! پس هر خصلت و خویشاوندی که در خود دیدی بدان که منشأ و ریشه آن نعمت در وجود پدر توست. پس خدا را بستای و برای آن نعمت از پدرت سپاسگزار باش.

(محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ۱۴/۷۰۱۵)

همچنین ایشان در دعا برای فرزندان از خدا می‌خواهند:

برای آرامش و مسرت من، عمر فرزندانم را طولانی گردان و اجل و سرآمد عمر آنان را به تأخیر افکن... پشت مرا به آنان محکم کن و کجی‌هایم را به وسیله آنان استوار گردان و عدد مرا به ایشان تکثیر کن و آنان را زینت زندگی‌ام قرار ده و یادم را به وسیله آنان زنده دار. (صحیفه سجاده، دعای ۲۵)

این تعابیر، تنها برای کسی که دنباله و جزء متمم انسان باشد، شایسته است.

۲-۳. درخواست «ذریه طیبه»، سیره اولیای الهی

برخورداری از نعمت فرزند صالح، خواسته‌ای است که با فطرت انسان گره خورده است و هم در دنیا انسان را از مواهب بسیار برخوردار می‌کند و هم زندگی اخروی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مهم، همواره از سوی انبیاء و اولیای الهی از خدا طلب شده است. حمد و سپاس حضرت ابراهیم علیه السلام بر اینکه خداوند در زمان پیری، اسماعیل و اسحاق را به وی عنایت فرمود، ارزش این موضوع را نشان می‌دهد. چنانکه دعای حضرت زکریا علیه السلام در این باره از زیباترین جلوه‌های این خواسته معنوی است. زکریا در مقام احساس قرب به خدا با قلبی ناامید از شرایط خود و همسرش از خدا می‌خواهد «ذریه طیبه‌ای» را از نزد خودش به وی عطا کند. (رک: آل عمران: ۳۸) آنچه موجب این دعا از سوی زکریا شده بود، مشاهده کمالات و کرامات و رزقی بود که همواره از سوی خدا برای مریم علیه السلام قرار داده می‌شد. بنابراین، مرادش از «ذریه طیبه» فرزندی از نزد خدا بود که شخصیت و کرامتی چون مریم علیه السلام داشته باشد. خداوند نیز دعایش را مستجاب کرد و شبیه‌ترین افراد به حضرت عیسی علیه السلام را به نام

یحییٰ علیه السلام به ایشان عنایت نمود. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه. ق. ۳/۱۷۵)

مفسرین اشاره کرده‌اند که قید «من لدنک» از این رو در متن دعا آمده است که زکریا علیه السلام به دلیل پیری خود و نازایی همسرش از اسباب عادی مأیوس شده بود. «شیء لدنی» مانند علم، رزق، فرزند و... یعنی، آنچه بی واسطه یا با کمترین واسطه از خداوند دریافت می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ۱۴/۱۷۰) برخورداری از این نعمت ارزشمند تا آنجا می‌تواند برای انسان مؤمن موجب برکت و رحمت باشد که امام زین العابدین علیه السلام نیز در دعای خود از خداوند طلب می‌کند اولاد ذکوری برایش در کنار دیگر فرزندان، قرار دهد که هم برای او خیر باشد و هم عون و یاری بخش او در آنچه از خداوند درخواست کرده است، قرار گیرد (صحیفه سجادیه، دعای ۲۵).

۳-۳. تأثیر «ذریه طیبه» بر زندگی اخروی انسان

همان‌گونه که نیات و نوع تربیت و رفتار والدین بر زندگی فرزندان تأثیر می‌گذارد، شعاع اعمال فرزندان نه تنها در دنیا که در حیات اخروی برای انسان مؤثر و ادامه‌دار است:

«يُنَبِّئُوا الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَ آخَرَ؛ در روز قیامت، انسان از تمامی کارهایی که از پیش فرستاده و آنچه بعد از مرگش به او رسیده است، آگاه می‌شود» (قیامت: ۱۳).

برخی مفسرین در ذیل این آیه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که: آنچه پس از مرگ مؤمن به او ملحق می‌شود، علومی است که انتشار داده و فرزند صالحی که از وی به جای مانده است» (قرطبی، ۱۳۶۴، ۱۹/۹۹).

در آیه فوق اعمال فرزندان، جزئی از اعمال متأخر شخص به شمار می‌رود که پس از مرگ به وی می‌رسد. برخی دیگر از مفسرین در ذیل این آیه اشاره کرده‌اند که پس از مرگ سه نوع پاداش به انسان می‌رسد: صدقه‌ای که در حیاتش آن را جاری ساخته، سنت هدایتی که بنا گذاشته و دیگران به آن عمل کرده‌اند و فرزند صالحی که برای او استغفار کند. (حسینی‌شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ۱۳/۳۹۶)

تأثیر متقابل رفتارهای فرزندان و والدین، اهمیت تلاش انسان را برای داشتن ذریه طیب بازگو می‌کند. هر اندازه انسان بتواند با استمداد از خدا و اجتناب از گناهان در ایجاد نسلی پاک، چه پیش از تولد و چه پس از آن کوشش کند در آینده دنیوی و اخروی از ثمراتش برخوردار می‌شود. به همین دلیل امام سجاد علیه السلام در دعای خود برای فرزندان از خداوند

می خواهد که

«مراد تربیت و تأدیب فرزندانم و نیکی به آنها یاری کن» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۵).

۳-۴. الحاق «ذریه طیبه» به انسان در بهشت

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلْتَنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ.

کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان به پیروی از آنان ایمان اختیار کردند، فرزندان شان را (در بهشت) به آنان ملحق می‌کنیم و از (پاداش) عملشان چیزی نمی‌کاهیم و هر کس در گرو اعمال خویش است. (طور: ۲۱)

در این آیه به روشنی از الحاق مؤمنین و ذریاتشان در بهشت سخن گفته شده است. در آیه ۷ و ۸ سوره غافر، فرشتگان الهی پس از استغفار و طلب مغفرت برای اهل ایمان از خداوند می‌خواهند که آنان را همراه با پدران و ارواح و ذریات صالحشان وارد بهشت کند. امام صادق علیه السلام ذیل این آیه فرمودند:

«گاه عمل ابناء از آباء پایین تر است، ولی خداوند به دلیل روشنی چشم مؤمنین آنها را ملحق به پدران می‌نماید (فضل الله، ۱۴۱۹ هـ.ق، ۲۱/۲۳۹).

بنابراین، مراد از الحاق ذریه مؤمن به ایشان در بهشت این است که اگر ذریه، مؤمن باشد گرچه درجه اعمالشان پایین تر از پدران باشد، به آنها ملحق می‌شوند و این بدون آن است که چیزی از عمل پدرانشان تقلیل پیدا کند و این از فضل خدا بر همه آنها است (سیدبن قطب، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۶/۳۳۹۷؛ جوادی آملی، ۱۳۹۲). امام سجاد علیه السلام در حالی که از خداوند شفاعت پدر و مادر را برای فرزندان و شفاعت فرزندان را برای پدر و مادر درخواست می‌کنند، به الحاق فرزندان و پدران مؤمن در قیامت اشاره کرده‌اند:

«... تا من و پدر و مادرم در خانه کرامت و محل مغفرت به یمن رأفت و مهربانی

تو گرد هم آییم» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۴).

۳-۵. شفاعت «ذریه»

شفاعت از اصول مسلم اسلامی است که در روایات زیادی از شیعه و سنی تأیید شده است. شفاعت در لغت به معنای جفت شدن و در کنار هم قرار گرفتن دو چیز است (راغب، ۱۴۱۲ هـ.ق،

۴۵۷) و در اصطلاح کلامی به معنای وساطت اولیاء الهی برای رساندن بندگان به فیض و رحمت و مغفرت الهی و دستگیری و نجات آنها است. (سبحانی، بی تا، ۴/۳۴۴)

در قرآن شفاعت فقط اختصاص به خداوند سبحان دارد (ر.ک: انعام: ۷۰؛ یونس: ۳)، اما گاه به اذن خداوند به فرشتگان واگذار می شود (ر.ک: نجم: ۲۶). در روایات، انبیا، علما، شهدا و گروه های دیگری از انسان های شایسته در دایره شفاعت کنندگان قرار گرفته اند. در صحیفه سجادیه، شفاعت متقابل والدین و فرزندان در قالب دعا برای والدین مطرح شده است. ایشان می فرماید:

«خدا یا! به سبب شفاعت و دعای من رضایت خود را شامل حال آنان بگردان.»

از این سخن معلوم می شود که دعا و شفاعت او برای مغفرت پدر و مادر مؤثر است و چه بسا آنها را از گرفتاری های برزخ نجات بخشد (ممدوحی، ۱۳۸۴):

«خدا یا اگر پدر و مادرم مورد مغفرت تو هستند، پس آنان را شفیع من قرار ده و اگر

مرا پیش تر بخشیده ای، شفاعت مرا درباره آنان پذیرا باش» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۴).

براین اساس می توان گفت که هر چند «شفاعت» فقط مختص خداوند است، اما خداوند به اذن خود شفاعت آبرومندان را می پذیرد و این دریچه امیدی برای مؤمنین است.

۴. ویژگی های «ذریه طیبه»

۴-۱. «ذریه طیبه»، روشنی چشم (قره اعین)

«قره اعین» یکی از صفات «عباد الرحمن» است که در سوره فرقان در کنار دیگر صفات همچون راه رفتن با فروتنی، شب زنده داری برای خدا، انفاق متعادل و تدبیر در قرآن، مؤمنین با آن ستوده شده اند: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا؛ کسانی که می گویند پروردگارا، همسران و فرزندانمان را مایه روشنی چشم ما قرار داده و ما را مقتدای متقین گردان» (فرقان: ۷۴).

برخی از مفسرین واژه «قره» را از ریشه «قرار» به معنای آنچه چشم با دیدن آن آرام می گیرد و مطمئن می شود، دانسته اند. (خطیب، بی تا، ۶۲/۱) این واژه از ریشه «قر» به معنای سردی و خشکی است و از آنجا که اشک شوق و سرور، خنک و اشک غم، گرم و سوزان

است، «قرة اعین» به معنای کسی است که مایه سرور و خوشحالی و خنک شدن چشم انسان شود (رک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۵/۲۴۴). به همین دلیل در زبان عربی گفته می‌شود: «أَقْرَّ اللَّهُ عَيْنَكَ وَاسْحَخَّ اللَّهُ عَيْنَ الْعَدُوِّ؛ خدا چشم تو را خنک و چشم دشمن را داغ کند» (مکارم، ۱۳۷۴، ۱۵/۱۶۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۱۵/۲۴۴۹).

منظور از اینکه ازواج و ذریات، قرة اعین، باشند این است که مؤمن به دلیل اینکه آنها را مطیع خدا می‌بیند، مسرور می‌شود (طوسی، بی تا، ۷/۵۱۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ۱۳/۸۲). در برخی تفاسیر آمده است که وقتی مؤمن می‌بیند خانواده‌اش در امر دین و اطاعت با او مشارکت و مساعدت می‌کنند و می‌داند که در بهشت به او ملحق می‌شوند، قلبش مسرور و چشمش روشن می‌شود (بیضاوی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۴/۱۳۱). در تفسیر البرهان، قرة اعین بر اهل بیت طاهرین پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ منطبق شده است و ازواج به حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام و ذریاتنا به حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام و قرة اعین به امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام و امام حسین عَلَيْهِمَا السَّلَام و «اجعلنا للمتقين اماماً» به حضرت علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام، تطبیق شده است (بحرانی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۴/۱۵۵۹).

۴-۲. بَرِّ و احسان به والدین

خداوند در سوره مریم داستان درخواست زکریا عَلَيْهِ السَّلَام از خداوند برای داشتن فرزندی پاک و «ذریه ی طیبه» را بیان کرده است. پس از درخواست زکریا عَلَيْهِ السَّلَام، پروردگار دعایش را مستجاب نمود و یحیی عَلَيْهِ السَّلَام را با عنوان «ذریه طیبه» به ایشان عطا فرمود. (رک: مریم: ۷) سپس در آیات بعدی، خداوند صفاتی را برای یحیی عَلَيْهِ السَّلَام ذکر می‌کند که برخی از آنها صفات هر «ذریه طیبه» اند (رک: مریم: ۱۳ و ۱۴)، و برخی اختصاص به حضرت یحیی عَلَيْهِ السَّلَام دارد. یکی از آن ویژگی‌ها احسان و نیکی به والدین است که خداوند در قرآن در حدود ۲۳ بار با صراحت و یا به صورت ضمنی به آن امر نموده است: «وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا؛ او (یحیی) نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود و جبار و عصیانگر نبود» (مریم: ۱۴).

برخی از مفسرین «برِّ» را به معنای نیکوکاری و اطاعت امر والدین و تحصیل خشنودی آنها دانسته‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۶/۷۸۲) و برخی آن را «سرعت‌گیرنده در طاعت و محبت والدین و پرهیز از عقوبت ایشان» معنا کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۱۶/۴۴). بیشتر مفسران «احسان به والدین» را مترادف با «برِّ» به والدین می‌دانند. همچنان که واژه «احسان» که در آیات

زیادی وظیفه فرزندان را بیان می‌کند به «بِرِّ» تفسیر شده است؛ برای مثال در آیه «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا...» (احقاف: ۱۵)، مراد از احسان به والدین، برّ و نیکی به آنها و در دوران حیات و پس از مرگ آنها است (قرطبی، ۱۳۶۴، ۱۱/۲۶).

امام سجاد علیه السلام در فرازی از دعایشان برای پدر و مادر، وجوب ادای حقوق والدین و نیکوکاری نسبت به آنها را مفروض می‌داند و می‌فرماید:

«خداوندا اگر از سوی من آزار و بدرفتاری یا تضییع حقی نسبت به والدین، صورت گرفته است، آن را موجب بخشش و ریزش گناهان پدر و مادرم و بالا رفتن درجات و افزایش حسناتشان قرار ده». (صحیفه سجاده، دعای ۲۴)

حساسیت انجام وظیفه فرزندان نسبت به والدین در منظر امام سجاد علیه السلام به حدی است که در دعای خویش از خداوند مدد می‌گیرد تا دانش رفتار و برخورد صحیح با والدین و نیکی به آنها را به وی الهام کند تا حقوق ایشان را به نحو کامل ادا کند. (ممدوحی، ۱۳۸۴، ۲/۳۹۲) از آنجا که ترک احسان و نیکی به والدین، انسان را گرفتار عقوبت والدین می‌سازد، می‌فرمایند: «... خداوندا، مرا در زمره کسانی که پدران و مادران خویش را از خود رانده و عاق کرده‌اند، قرار مده» (صحیفه سجاده، دعای ۲۴).

۳-۴. فروتنی و احترام

خداوند در آیات بسیاری، بشر را به فروتنی و خضوع در مقابل پدر و مادر امر کرده است. این فروتنی در مقابل جایگاه والای پدر و مادر و در برابر زحمات و رنج‌های آنان در کودکی است: «برای هر دو از روی مهر و محبت، بار فروتنی فرود آور و بگو:

پروردگارا آنها را به پاس آنچه مرا در کودکی تربیت کردند، مورد رحمت قرار ده» (آدرس؟؟؟)

. در این آیه، فروتنی فرزند در برابر پدر و مادر به بال و پیر گشودن مرغی تشبیه شده است که جوجه‌های خود را پناه می‌دهد و آغوش محبت بر آنان می‌افکند. خداوند می‌فرماید:

«پدر و مادرت را در زیر پروبال محبت و احسان خویش پناه ده، همان‌گونه که در کودکی، آنها با گشودن بال و پیر محبت، تو را پروراندند» (طبرسی، ۱۳۷۲، ۶/۶۳۱).

امام صادق علیه السلام درباره این آیه فرمود:

«یعنی، جز با مهربانی و دلسوزی به آنها نگاه نکن و صدای خود را بلندتر از

صدای آنها نگردان و دستت را بالای دست آنها قرار نده و جلوتر از آنها راه نرو» (طبری،

۱۴۱۲ هـ.ق، ۶/۶۳۱).

به ویژه در وقت پیری و کهنسالی که قدرت پدر و مادر رو به ضعف می‌گذارد و قدرت و شوکت گذشته را در خود نمی‌بینند، نیازمند بازوان پرتوان و دست‌های مهربانی هستند که در کمال ملایمت و ملاحظت با آنان رفتار کرده و نیازهایشان را برآورد:

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا
أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا.

هرگاه یکی از آنان یا هر دو آنان در کنارت به پیری رسند (چنانچه تو را به ستوه آورند) به آنان اف نگو و بر آنان پرخاش مکن و با آنان با سخن نرم و شایسته، سخن بگوی. (اسراء: ۲۳)

با وجود آنکه اطاعت و احترام و فروتنی نسبت به والدین در هر زمانی لازم است در این آیه فقط به زمان پیری اشاره کرده است. علت این امر نیاز بیش از پیش والدین در زمان پیری به یاری و کمک متواضعانه فرزندان است. واژه «اف» اشاره به کمترین حد نافرمانی و سوء ادب در محضر آنها است. (طبری، ۱۳۷۲، ۱۴/۱۱۹) و «نهر» به معنای رنجاندن است که با داد زدن و سخن درشت صورت می‌گیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۱۳/۸۴).

رعایت تواضع و فروتنی در برابر والدین در کلام امام سجاد علیه السلام نیز به گونه‌ای زیبا بیان شده است:

«خدایا گفتار مرا در برابر آنان آرام و کلامم را مؤدبانه و خوی و طبعم را در برابرشان نرم گردان و قلبم را چنان متوجه آنان فرما که با آنان رقیق و مهربان باشم».
(ممدوحی، ۱۳۸۴، ۳۹۶)

از این بیانات نتیجه می‌شود که «ذریه طیبه»، فرزندان صالحی هستند که پیوند ایمانی و عاطفی خود را با پدر و مادر تا آخرین مراحل حیات آنان، استمرار می‌بخشند و اگر روزی به دلیل شرایط ویژه والدین، در تنگنا و سختی قرار گیرند، بر اساس وظیفه الهی و قدرشناسی در مقابل زحمات بی‌شمار والدین، خم به ابرو نیاورده، همچنان از پدر و مادر حمایت می‌کنند.

۴-۴. فرمان بری از والدین

بررسی آیات و روایات نشان می‌دهد که اطاعت فرزندان از والدین جایگاهی ویژه در

بزرگداشت والدین دارد و بی‌تردید این اطاعت‌پذیری جز بر پایه ایمان به خداوند، مهرورزی به والدین و اعتقاد به مقام والای پدر و مادر تحقق نمی‌یابد. فقدان هر یک از امور می‌تواند انسان را به سرباززدن از اطاعت والدین وادارد. بر اساس مبانی دینی به خوبی روشن است که مقصود از اطاعت والدین تا جایی است که این اطاعت منافاتی با اطاعت از خداوند نداشته باشد، چنانکه در روایت آمده است، که آنجا که پای نافرمانی خداوند در کار باشد از هیچ مخلوقی نباید اطاعت کرد. (ر.ک: نهج البلاغه، کلمه ۱۲۵) در قرآن کریم بیش از ۲۳ بار از احساس و نیکی به پدر و مادر سخن به میان آمده است (ر.ک: اسراء: ۴۱؛ نساء: ۳۶) و در برخی از آن آیات، احسان به والدین در کنار عبادت خداوند و یکتاپرستی ذکر شده است و از آنجا که اطاعت از پدر و مادر از روشن‌ترین مصادیق احسان به شمار می‌آید، هر جا در قرآن بر احسان تأکید شده است، می‌تواند تأکید بر اطاعت از والدین باشد.

برخی مفسرین گفته‌اند که مقدم ساختن کلمه «بالوالدین» بر کلمه «احساناً» دلالت بر شدت اهمیت احسان به والدین دارد و نکره آمدن «احسان» نیز دلالت بر عظمت و اهمیت احسان دارد. در نتیجه، مفهوم آیه شریفه آن است که خداوند فرمان داده است که به والدین احسان کنید، احسانی عظیم و کامل، اما احسان فرزند به والدین هرگز با احسان والدین به فرزند برابری نمی‌کند؛ زیرا احسان والدین به فرزند، ابتدایی و بدون سابقه احسان از سوی فرزند بوده است، در حالی که احسان فرزند در واقع پاسخ به احسان والدین است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ ه.ق، ۲/۳۲۱) از دیگر مواردی که روشن‌گر لزوم اطاعت از والدین و حدود آن است، آنجا است که قرآن کریم می‌فرماید:

«و اگر پدر و مادر تلاش کردند چیزی را که از آن آگاهی نداری شریک من قرار دهی از آنان اطاعت مکن، ولی در دنیا رفتار شایسته‌ای با آنان داشته باش» (لقمان: ۱۵).

نکته مهم آیه این است که خدمت به پدر و مادر واجب و اطاعت از ایشان مادامی که مستلزم ترک اطاعت خدا نباشد، لازم است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ ه.ق، ۲۵/۱۲۰) اطاعت از والدین در صحیفه سجادیه در دعای امام علیه السلام برای والدین و هم در دعای ایشان برای فرزندان مورد تأکید و توجه قرار گرفته است. امام سجاد علیه السلام در ضمن دعاهایشان برای والدین می‌فرماید: «خداوند مرا چنان در مقابل والدینم قرار ده که از هیبت و جلال آنان به گونه‌ای

بترسم، آن سان که از یک سلطان ستمگر می‌ترسم».

در قسمتی دیگر می‌فرماید:

پروردگارا، اطاعت از پدر و مادرم و نیکی به آنان را در نظر من از خواب شیرین برای انسان خواب‌آلوده، آرام‌بخش‌تر و از خنک‌ترین نوشیدنی‌ها برای انسان تشنه، گواراتر قرار ده تا آنجا که خواست آنان را بر خواست خود و رضای آنان را بر رضای خود مقدم دارم. (صحیفه سجادیه، دعای ۲۴)

برخی شارحین صحیفه، نیل به آرامش را در اینجا بدین علت دانسته‌اند که فرزند از دریافت یکی از نشانه‌های ایمان، مسرور می‌شود و علت فزونی گوارایی اطاعت والدین از نوشیدن آب برای تشنه، آن است که با این اطاعت، شعله‌های آتش از فرزند دور می‌شود. (العاملی، ۱۳۸۹)

در فرازی دیگر امام برای فرزندانشان از خدای مهربان چنین درخواست می‌کند:

خدایا فرزندانم را چنان قرار داده که مرا دوست بدانند و به من توجه کرده و روی آورند و در رفتارشان اعتدال و استقامت داشته باشند و مرا اطاعت کنند و در برابرم سرکشی ننمایند و مرا از خود نرانند و با من مخالفت نکرده و خطا کار نباشند. (صحیفه سجادیه، دعای ۲۴)

۴-۵. دعا و طلب مغفرت

دعا برای پدر و مادر و طلب مغفرت برای آنان از مواردی است که در پاره‌ای از آیات قرآن و کلام امام سجاد علیه السلام مورد توجه ویژه قرار گرفته است. طلب مغفرت برای پدر و مادر در قرآن از سوی حضرت نوح (ر.ک: نوح: ۲۸) و حضرت ابراهیم (ر.ک: شعراء: ۸۶؛ ابراهیم: ۴۱) مطرح شده است؛ ایشان در زمره برگزیدگان ویژه الهی‌اند (ر.ک: آل عمران: ۳۳). حضرت ابراهیم خود از کسانی است که از خداوند درخواست می‌کند، ذریه‌اش را در زمره اقامه‌کنندگان نماز قرار دهد (ر.ک: ابراهیم: ۴۰). و فرزندش را از شرک به خدا در امان دارد (ر.ک: ابراهیم: ۳۵)، و پدر و مادرش را مشمول رحمت و مغفرت نماید (ر.ک: ابراهیم: ۴۱). حضرت ابراهیم در قرآن، اسوه‌ای حسنه است (ر.ک: ممتحنه: ۴) که خداوند بر او سلام می‌فرستد (ر.ک: صافات: ۱۰۹) و سیره و گفتارش می‌تواند روشن‌گر صفات و ویژگی‌های ذریه طیبه باشد. دعای فرزند برای والدین، سلاحی است که نه تنها به آمرزش آنها می‌انجامد که آمرزش فرزند را نیز به دنبال دارد. چنانکه نیکی پدر و مادر

به فرزند، موجب آمرزش والدین از سوی خدا است. مروری کوتاه بر کلام امام سجاد علیه السلام مؤید این برداشت است. ایشان از خدا می‌خواهد که او را در هیچ لحظه‌ای از لحظات عمر، مبتلا به فراموش کردن یاد پدر و مادر نکند و از خدا می‌خواهد که او را به دلیل دعا‌هایی که در حق پدر و مادر انجام می‌دهد، مورد مغفرت قرار دهد و پدر و مادرش را به سبب بزرگواری که در حق او کرده‌اند، مورد عفو و رحمت قرار دهد. (صحیفه سجادیه، دعای ۲۴)

۴-۶. خدمتگزاری در دنیا

فرمان به نیکی و احسان به والدین که در قرآن بر آن تأکید بسیار شده است، مفهومی عام است که شامل ابعاد مختلفی چون هم‌صحبتی نیکو، تواضع، انفاق به والدین، اطاعت از آنان، خدمتگزاری خالصانه و عاشقانه نسبت به آنها می‌شود. قرآن کریم آنجا که سخن از دوران کهنسالی پدر و مادر به میان می‌آورد، این نکته را به فرزند یادآور می‌شود که والدین کهنسال که امروز سزاوار مهربانی و بزرگداشت بیشتری از سوی فرزندان هستند، خود روزی با تمام وجود و با سختی‌ها و مرارت‌های بسیار فرزند خویش را پرورش داده‌اند (رک: اسراء: ۲۳). دستور مؤکد به احسان به والدین در آیات و روایات از آن روست که حقوق آنان در محدوده‌ای فراتر از جبران فرزند قرار می‌گیرد. بنابراین، خدمت به والدین تنها گوشه‌ای از زحمات والدین را جبران خواهد کرد. از دیگر سو، امید به احسان و نیکی فرزندان و خدمات و مهربانی‌های آنان، انگیزه والدین را در فرزندآوری و تکثیر نسل و پرورش و تربیت فرزندان فزونی می‌بخشد. بدیهی است آنگاه که پدران و مادران با تمام وجود، مهر خویش را در تربیت فرزندان نثار کنند، نسلی با هویت و مستحکم را در جامعه رقم خواهند زد. نمونه‌ای از خدمتگزاری فرزندان پاک و با ایمان نسبت به پدر و مادر، خدمتگزاری دختران حضرت شعیب علیه السلام است:

هنگامی که موسی علیه السلام به کناره چاه آب مدین رسید، مردمانی را در آنجا دید که گوسفندان خود را سیراب می‌ساختند. در کنار آنان دوزن را دید که به کناری رفته و به گوسفندان آب نمی‌دهند. موسی به آن دو گفت: «مشکل شما چیست؟ چرا گوسفندان خود را آب نمی‌دهید؟!» آن دو زن گفتند: «گوسفندانمان را آب نمی‌دهیم تا چوپانان همگی بروند و دلیل آمدن ما برای چوپانی گوسفندان، داشتن پدری پیرو کهنسال است و اگر چنین نبود ما برای چوپانی به اینجا و به کنار مردان نمی‌آمدیم.» (قصص: ۲۳)

این داستان به خوبی گویای آن است که دختران پاک و با ایمان حضرت شعیب علیه السلام با آنکه به دلیل حیای خویش از ارتباط با نامحرمان استنکاف داشتند، اما برای خدمتگزاری به پدر کمر همت بسته و به چوپانی آمده‌اند. امام سجاد علیه السلام در فرازی از دعای خویش برای فرزندان از خداوند چنین درخواست می‌کند:

«پروردگارا قدرت و قوت مرا به وسیله فرزندان مستحکم فرما و کجی‌هایم را به وسیله آنان استوار گردان و در زمان نبودنم، امور مرا به وسیله آنان کفایت نما و آنها را در نیازهایم، کمک‌کننده‌ام قرار ده» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۵۹).

در فرازی دیگر ایشان می‌فرماید:

«خدایا بر من منت‌گذار به وسیله باقی گذاردن عمر فرزندانم و نیکوکار ساختن آنان برای انتفاع و بهره‌مند شدنم از وجود آنان» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۵۹).

۴-۷. یآوری در مسیر بندگی

داشتن همراه و یآوری که انسان را در پیمودن مسیر به سوی اهداف والا، یاری بخشد، پیمودن راه را تسهیل و نیل به اهداف را تسریع می‌نماید؛ داشتن چنین یآوری می‌تواند از مواهب الهی باشد. یآوری و همراهی حضرت اسماعیل علیه السلام، فرزند پاک حضرت ابراهیم علیه السلام، نسبت به پدر در انجام اوامر الهی و اطاعت حق در دو جای قرآن بیان شده است:

اول) در گفتگوی حضرت ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام درباره رؤیای ذبح، آمده است:

هنگامی که اسماعیل به ابراهیم عطا شد و به سن رشد و بلوغ رسید، ابراهیم به او گفت: «در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم، نظر تو در این باره چیست؟». اسماعیل گفت: «پدرم هر آنچه از سوی خدا به آن امر شده‌ای، انجام ده و به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت». (صافات: ۱۰۲)

علامه طباطبایی به این نکته اشاره کرده است که حضرت ابراهیم علیه السلام از رؤیای خود، امر خدا را درباره قربانی کردن اسماعیل علیه السلام، دریافت کرده است؛ چراکه خواب به تنهایی نمی‌تواند دلیل جواز قربانی فرزند باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۷/۱۵۲) بی‌تردید برای قلب مهربان یک پدر، امتحانی سخت‌تر از درخواست ذبح فرزند نوجوان، نمی‌توان تصور کرد. حضرت ابراهیم علیه السلام در این آزمایش الهی مسیری صعب را در «گذشتن از نفس» پیمود. این امتحان به قدری سخت و هراس‌انگیز است که خداوند آن را «بلاء مبین» می‌نامد (رک: صافات: ۱۰۶).

در این میان چه کسی می‌تواند برتر از یک فرزند همراه و هم‌فکر، پدر را دلجویی کند و قدم‌های او را در انجام اوامر خداوند استحکام بخشد؟ حضرت اسماعیل علیه السلام بی‌آنکه از این خبر بی‌تاب شود، پدر را در انجام این امر الهی به زیبایی یآوری می‌کند و او را در انجام ذبح تأیید و ترغیب می‌نماید.

دوم) یاری اسماعیل در تجدید بنای کعبه است که به دستور خداوند از ابراهیم و اسماعیل خواسته شده بود (ر.ک: بقره: ۱۲۵):

«... هنگامی که ابراهیم و اسماعیل، پایه‌های خانه کعبه را بالا می‌بردند و می‌گفتند: پروردگارا از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی» (بقره: ۱۲۷).

انجام تجدید بنای کعبه توسط ابراهیم علیه السلام تجدید بنایی برای عبادت خدا و راز و نیاز با او بود و حضرت اسماعیل علیه السلام با مشارکت در آن، پدر را در این امر خطیر مساعدت نمود. گفتگوی عارفانه حضرت ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام با پروردگار در کنار یکدیگر و در حال انجام امر الهی، همراهی آنها را در اطاعت و تسلیم در برابر حق به خوبی نمایان می‌کند:

«پروردگارا ما را تسلیم فرمان خود قرار ده و از دودمان ما امتی که تسلیم فرمان تو باشند قرار ده و روش عبادت‌مان را به ما نشان ده و توبه ما را بپذیر، ای که توبه‌پذیر و مهربانی».

برخی مفسران گفته‌اند:

«اسلامی که حضرت ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام در اینجا درخواست کرده‌اند، عبودیت تمام و تسلیم محض بنده خدا در مقابل خدا است که این، رتبه‌ای بالاتر از اسلام رایج است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۱/۲۸۳).

امام سجاد علیه السلام در دعایش از خداوند می‌خواهد که فرزندان او را صالح و پرهیزکار قرار دهد تا با روشن بینی به فرمانش گوش فرا دهند و از اولیای ناصح و مشفق خدا و دشمن با دشمنان خدا باشند. این سخن، اشاره به همراهی و یاری فرزندان نسبت به انسان در پی‌مودن راه حق دارد (ر.ک: صحیفه سجاده، دعای ۲۵).

۵. نتیجه

با توجه به نظر لغت‌شناسان، واژه «ذریه طیبه» در کاربرد قرآنی به معنای نسل پاک به کار

رفته است و «شجره طیبه» در تفاسیر به اجداد و نسل پیامبر گرامی اسلام ﷺ و مؤمنین شیعه، اطلاق شده است. بر این اساس، میان «ذریه طیبه» و «شجره طیبه» رابطه وجود دارد؛ ذریه طیبه مؤمنان، شعاعی از شجره طیبه‌اند.

در بررسی مسئله «ذریه و جنسیت» معلوم شد که استمرار نسل از دیدگاه کتاب و سنت منحصر به فرزندان پسر نیست و همه فرزندان اعم از دختر و پسر ادامه نسل و از مصادیق «ذریه» می‌باشند. در مبحث تبیین اهمیت و جایگاه «ذریه طیبه» به نکات زیر باید توجه کرد:

- «ذریه طیبه» متمم وجود انسان است؛

- درخواست «ذریه طیبه» همواره سیره اولیای الهی و مقربان درگاه ربوبی بوده است؛

- اعمال «ذریه طیبه» بخش متأخر اعمال انسان است که پس از مرگ برایش فرستاده

می‌شود؛

- «ذریه طیبه» در بهشت به آبا و اجداد و اهلس ملحق خواهد شد؛

- شفاعت «ذریه طیبه» در سرای دیگر، نجات‌گرانسان‌های نیازمند شفاعت است.

- در محور ویژگی‌ها با مروری بر مجموعه‌ای از آیات قرآن و صحیفه سجادیه، ویژگی‌هایی

از «ذریه طیبه» بیان شد که عبارتند از: فرزند صالح یا نسل پاک، روشنی چشم والدین‌اند؛

یعنی پدر و مادر با مشاهده اطاعت فرزندان در مقابل خدا، مسرور می‌شوند. ویژگی‌های

دیگر «ذریه طیبه» عبارت‌اند از: «برّ و احسان به والدین»، «فروتنی و احترام»، «فرمان‌بری از

والدین»، «یاوری در مسیر بندگی»، «دعا و طلب مغفرت»، «خدمتگزاری در دنیا».

با توجه به اینکه توسعه معنویت و کمال در جامعه اسلامی با تربیت صحیح افراد آن

محقق می‌شود و بازشناسی ابعاد مفهومی و مصداقی «ذریه طیبه» و تلاش مستمر برای

تحقق آن یکی از راه‌های رشد معنوی و اخلاقی جامعه است، جا دارد در عرصه تحقیقات

و پژوهش‌های بنیادین و کاربردی، مبانی، عوامل و راه‌های تحقق ذریه طیبه مورد توجه

قرار گیرد و در عرصه سیاستگزاری و برنامه‌ریزی‌ها برای تحقق ذریه طیبه، تلاش شود.

منابع

* قرآن

* نهج البلاغه

۱. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دارالفکر، دار صادر.
۳. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶). البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: بنیاد بعثت.
۵. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸). انوار التنزیل و اسرار التأویل. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). الحاق ذریه مؤمن به مؤمن در بهشت. نشریه پاسدار اسلام، ۱۱۸(۱۰)، ۱۲-۱۴.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲). تسنیم. قم: اسراء.
۸. حاجی اسماعیلی، حمد رضا، و اسماعیلی زانی، مهدی (۱۳۹۳). تبیین ساختار زبانی واژه ذریه در قرآن و بررسی برخی از تأثیرات آن در فقه امامیه. نشریه پژوهش های زبان شناختی قرآن، ۱(۳)، ۱۹-۳۸.
۹. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر.
۱۰. حسینی کوهساری، سید اسحاق (۱۳۸۴). پژوهشی قرآنی در خصوص ساختار خانواده در قرآن. نشریه پژوهش های دینی، ۲(۱)، ۱۳۹-۱۶۰.
۱۱. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳). تهران: میقات.
۱۲. خطیب، عبدالکریم (بی تا). التفسیر القرآنی للقرآن. بیروت: دارالفکر العربی.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم.
۱۴. سبحانی، جعفر (بی تا). الالهیات. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۵. سید بن قطب، بن ابراهیم (۱۴۱۲). فی ظلال القرآن. بیروت: دار الشروق.
۱۶. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. مترجم: موسوی همدانی، محمد باقر. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). تفسیر المیزان. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
۱۹. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفه.
۲۰. طریحی، فخرالدین محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۲. العاملی، علی بن زین الدین (۱۳۸۹). شرح صحیفه سجاده. تهران: پژوهشکده باقر العلوم.
۲۳. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۳۱۵). تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان.
۲۴. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
۲۶. فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹). من وحی القرآن. بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر.
۲۷. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴). المصباح المنیر. قم: دار الهجرة.
۲۸. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لاحکام القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۹. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷). میزان الحکمه. مترجم: شیخی، حمید رضا. بیروت: دار الحدیث.
۳۰. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی الکلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. ممدوحی کرمانشاهی، حسن (۱۳۸۴). شهود و شناخت؛ ترجمه و شرح صحیفه سجاده. قم: بوستان کتاب.